

## زندگی مجردی؛ تیر خلاص به نهاد خانواده

در خبرها آمده بود ۳ میلیون ایرانی زندگی مجردی دارند. زندگی مجردی یکی از پدیده‌هایی است که در چند سال گذشته در کلانشهرها بیشتر شده.



دکتر جعفر بای: در خبرها آمده بود ۳ میلیون ایرانی زندگی مجردی دارند. زندگی مجردی یکی از پدیده‌هایی است که در چند سال گذشته در کلانشهرها بیشتر شده.

این پدیده در مقیاس کوچک چندان هم ناپسند نیست، چراکه در برخی موارد بعضی افراد مثل دانشجویانی که به اجبار باید محل زندگی خود را ترک کنند و برای ادامه تحصیل به شهری دیگر بروند یا افرادی که محل کار آنها با شهر محل زندگی‌شان فاصله زیادی دارد، ناچار به انتخاب این نوع زندگی هستند. اما معضل از گسترش این نوع از زندگی بین جوانان و از بین رفتن حساسیت‌های جامعه نسبت به آن شروع می‌شود. اگر حساسیت‌ها در خصوص زندگی مجردی خصوصاً برای جوانان مجرد از بین برود و خانواده‌ها مشکلی با ترک خانه فرزندان نداشته باشند، عواقب زیادی به جامعه تحمیل می‌شود.

عوامل زیادی مانند شکاف بین نسلی باعث می‌شود جوان زندگی مجردی را به زندگی با پدر و مادر مسن ترجیح دهد. بالا رفتن سن و مجرد ماندن مسئله دیگری است که می‌توان برای انتخاب زندگی مجردی متصور شد؛ زندگی‌ای که با تجربه‌های جدید همراه است و محدودیت‌های زندگی در کنار پدر و مادر را به همراه ندارد و نوعی استقلال را به جوان هدیه می‌کند. حتی دانشجویان نیز بعد از خاتمه تحصیل تمایلی به برگشت به شهر و خانه خود نداشته و این تجربه جدید را حفظ می‌کنند.

با همه گیر شدن زندگی مجردی و از بین رفتن حساسیت‌ها، در وهله نخست تشکیل خانواده متزلزل می‌شود و فرد علاقه چندانی به برعهده گرفتن مسئولیت خانواده نخواهد داشت. انگار که جامعه هم این تغییرات فرهنگی و زندگی مجردی را به ناچار قبول کرده و این رفتار جوانان با نقد اجتماعی مؤثری مواجه نشده است. این پذیرش اجتماعی که نوعی تأیید این کار است باعث می‌شود تا تعداد بیشتری از جوانان به برگزیدن این نوع زندگی تشویق شوند.

اگر این نوع زندگی در جامعه تسری پیدا کند و حساسیت‌ها از بین برود باید منتظر تیر خلاص به زندگی خانوادگی باشیم چراکه این نوع زندگی کم کم باعث می‌شود تا شکل‌گیری خانواده از بین رفته و تجربه تشکیل خانواده به نقطه صفر برسد. همین مسئله باعث می‌شود تا «انبوه تنها» در جامعه شکل بگیرد. در چنین شرایطی عواطف انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بی‌عاطفگی ترویج پیدا می‌کند و جامعه به تدریج نسبت به اعمال افراد بی‌تفاوت و خنثی می‌شود. همچنین نظام خویشاوندی به هم خورده و همبستگی جمعی و همکاری و اتحاد اجتماعی در معرض خطر قرار می‌گیرد. چنین انسان‌هایی نه تنها به فکر خلاقیت و نوآوری نیستند بلکه نمی‌توانند صاحب رشد و شکوفایی شوند و به اندک‌ها بسنده کرده و به زندگی سطح پایین رضایت می‌دهند. به دنبال همین مسئله باید منتظر بروز آسیب‌ها و مشکلات متعددی در جامعه باشیم. کاری که امروز باید انجام داد آشتی دادن جوانان با محیط خانواده و از بین بردن فاصله‌هاست.